

بازآفرینی آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام بر اساس نظریه الگوی مقدس میرچا الیاده

خدیدجه عالمی^۱

چکیده

عدالت یکی از قدیم‌ترین آموزه‌های ادیان در طول تاریخ بوده است. بر اساس نص قرآن کریم، اجرای عدالت در جوامع از اهداف دین به‌شمار می‌رود. از این‌رو در اسلام آموزه عدالت از نخستین مباحث نظری و عملی شناخته شده است؛ چنان‌که گروه فکری قدریه بر اساس اندیشه عدل الهی در قرون نخستین هجری در میان مسلمانان شکل گرفت. با وجود این، اختلاف پیرامون تعریف مفهوم عدالت، منجر به شکل‌گیری دو نحله عدلیه و غیرعدلیه در میان متکلمان شد. در این میان، اهل بیت علیهم السلام با شیوه‌ای ویژه به بازآفرینی آموزه عدالت پرداختند. اهتمام اهل بیت علیهم السلام به این امر، نشانگر توجه آنان به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه در تشریح آموزه عدالت است. از این‌رو این پرسش مطرح است که بازآفرینی آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام چگونه بوده و از چه شیوه‌ای جهت بسط آن استفاده کرده‌اند؟ با بهره‌گیری از روش توصیف و تحلیل تاریخی و با اتنا بر نظریه الگوی مقدس میرچا الیاده، مدعا این است که بازآفرینی آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام، با استفاده از تجسبدیجشی به مفاهیم سه‌گانه «وصی»، «شهید» و «قائم» در قالب سه الگوی عینی امام علی، امام حسین و امام مهدی علیهم السلام بوده است. دستاورد پژوهش این است که برگزاری مناسک سه‌گانه عید غدیر، روز عاشورا و نیمه شعبان در سیره اهل بیت علیهم السلام راهکاری جهت بازگشت به زمان مقدس آغازین بوده است.

کلیدواژه‌ها: سیره اهل بیت علیهم السلام، عدالت، عاشورا، غدیر، نیمه شعبان.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Alemi1900@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۴/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۰۴/۰۶/۱۰

درآمد

در متون اسلامی، اصول و عقاید گوناگونی به‌مثابه آموزه‌های تثبیت شده قابل مشاهده است. با وجود این، اصول اولیه همه مسلمانان یکسان و شامل سه اصل توحید، نبوت و معاد است. با شکل‌گیری فرق اسلامی به‌تدریج اختلاف بنیادین در حوزه اصول دین نمایان شد. یکی از این اختلافات مربوط به آموزه عدالت بود. در این میان آموزه عدالت دارای پیچیدگی‌های بسیاری است و به زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری فرق گوناگون نیز مربوط است. این امر موجب تفاوت و گاه تناقض و تضاد در تعریف کلامی عدل شد (قدردان، ۱۳۹۱: ۲۹). مسلمانان از این منظر به دو گروه عدلیه و غیر عدلیه تقسیم شدند. گروه عدلیه شامل معتزله و امامیه بودند که حسن و قبح اشیاء را عقلی و عدل خداوند را فرع بر اثبات حسن و قبح عقلی می‌دانستند. در مقابل غیرعدلیه که مهم‌ترین نماینده آن اشاعره بودند، ادله شرعی را دلیلی بر عدل خداوند قلمداد کرده و ملاک عادلانه بودن یک رفتار را عمل خداوند می‌دانستند (بلخی، ۱۳۷۶: ۶۰-۶۴). در این میان توجه ویژه اهل بیت علیهم‌السلام به آموزه عدالت جالب توجه است.

در سیره اهل بیت علیهم‌السلام آموزه عدل و امامت به‌عنوان دو اصل مذهب پذیرفته شد. در متون مرتبط با امامیه، عدل در تقابل با مفهوم ظلم تعریف شده است (سیدمرتضی، ۱۹۳۵: ۳۹)؛ چنان‌که بسط مفهوم عدل، منجر به ظهور تعاریفی همچون توازن و استقامت، تساوی و نفی تبعیض، رعایت حق مستحق و افاضه بر حسب استعداد شد (قدردان، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۷). به‌نظر می‌رسد رویکرد اثباتی به آموزه عدل در میان امامیه، موجب نادیده انگاشتن اهمیت این آموزه در سیره اهل بیت علیهم‌السلام شده است. آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام به‌طور ویژه در چهارچوبی مطرح شد که بازگو‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم مقدس با کارکرد اسطوره‌شناختی است. از این منظر درک مفهوم اسطوره ضروری است. یکی از افرادی که در قرن بیستم میلادی درباره اسطوره و کارکردهای آن، نظریات مهمی ارائه کرده، میرچا الیاده است. وی با مطالعه ادیان و اسطوره‌شناسی، به پژوهش در حوزه مردم‌شناسی، پدیدارشناسی، دین پژوهی و هرمنوتیک پرداخت. وی حوزه دین را به‌طور مستقل مورد مطالعه قرار داد و از به‌کار بردن رویکردهای نظری جامعه‌شناسانه و روانشناسانه در تحلیل پدیده‌های دینی پرهیز کرد. میرچا الیاده در اسطوره‌شناسی دارای رویکردی نوین بر پایه نمادپردازی پدیده‌های دینی است. وی به ابعاد تاریخی ادیان همراه با کاربست نگرش تطبیقی توجه کرده و در نظریه الگوی مقدس، بر تمایز مفهوم امر مقدس و امر دنیوی و چگونگی جریان امور قدسی در امور دنیوی، تمرکز کرده (Eliade, 1958: 1; Ibid, 1971:5).

مفهوم اسطوره بیانگر روایت مقدس از پیدایش خلقت یا واقعه‌ای با اهمیت است که حقیقت تلقی می‌شود (Eliade, 1963: 5). بر اساس نظریه وی، امر قدسی خود را به شکل تجلی اسطوره‌ای

انسان‌ها و ایجاد کهن الگوها در جوامع و تاریخ نشان می‌دهد (Eliade, 1961: 21). میرچا الیاده اسطوره و مناسک را به‌مثابه ساز و کارهایی برای تجلی امر متعالی در جهان نامقدس تحلیل کرده است. به باور وی، ذهنیت دینی انسان سنتی، از طریق بازآفرینی رویدادهای ازلی اسطوره‌ای، در پی گسست از زمان خطی تاریخی و پیوند با زمان قدسی آغازین است. بر این اساس، زمان دوری به دلیل تکرارپذیر بودن، مقدس و زمان خطی به سبب تکرارناپذیر بودن، غیرمقدس و مادی است. زمان مقدس محل ظهور اسطوره آفرینش (روایت‌های اسطوره‌ای از چگونگی خلقت) با حوادث خارق‌العاده و زمان خطی محل تجلی اسطوره است. این تجلی از طریق کهن الگوهای رفتاری و تشریح برخی مناسک در ادیان ظهور یافته است. از این منظر رهیافت اهل بیت علیهم‌السلام به آموزه عدالت دارای ابعاد اسطوره‌شناختی است. در این پژوهش، بر اساس الگوی ترسیم شده توسط میرچا الیاده، آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام در سه سطح بازآفرینی شده است. در سطح اول، آموزه عدالت به‌مثابه تجلی امر قدسی در ساحت زمان مقدس، در سطح دوم، تجسد آموزه عدالت با ظهور امر قدسی در شخصیت امامان معصوم و در سطح سوم بازنمایی آموزه عدالت از طریق برگزاری اعیاد غدیر و نیمه شعبان و همچنین سوگواری در روز عاشورا مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در باب آموزه عدل در کلام شیعی آثار متعددی نشر یافته است. در میان مقالات فارسی می‌توان به اثر قربانی (۱۴۰۱ش) با عنوان «تکثر ادیان و جستجوی عدالت الهی» اشاره کرد. قربانی (۱۳۹۷ش) همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن کریم» به عدالت در قرآن کریم پرداخته است. قاسمی (۱۴۰۰ش) در مقاله «بررسی مفهوم عدالت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه»، به آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته است. برخی مقالات نیز با رویکرد تطبیقی به این مطلب توجه نشان داده‌اند: از جمله دیلم صالحی و همکاران در مقاله‌ای که در سال ۱۴۰۱ش با عنوان «نگاهی تطبیقی به اصول و مفروضات عدالت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام و لیبرالیسم» انتشار داده‌اند، به تطبیق آموزه عدالت در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و لیبرالیسم پرداخته‌اند. در میان کتاب‌ها نیز آثار بسیاری با موضوع آموزه عدل به نگارش درآمده است. چنان‌که مطهری (۱۳۴۹ش) عدل الهی را با محوریت آموزه عدل به رشته تحریر درآورده است. در پژوهش‌های اخیر نیز کتاب‌های متعددی با موضوع عدل الهی و مسئله شر به نگارش درآمده که از آن میان می‌توان به اثر صالح مسیبی (۱۳۹۲ش) با عنوان عدل الهی و مسأله شر و همچنین اثری با همین عنوان از زنگنه‌تبار (۱۳۹۵ش) اشاره کرد. با توجه به آنچه گفته شد، در باب بازنمایی اسطوره‌شناسانه آموزه عدالت اثری منتشر نشده است. بنابراین تفاوت مقاله حاضر با پیشینه پژوهش، توجه به رویکرد اسطوره‌شناسانه در تحلیل مفهوم عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام است.

آموزه عدالت و عناصر مفاهیم قدسی در سیره اهل بیت علیهم السلام

۱. عدل تکوینی

نخستین مؤلفه آموزه عدالت در عناصر مفاهیم قدسی سیره اهل بیت علیهم السلام، عدل تکوینی است. عدل تکوینی به معنای استقرار نظام آفرینش بر پایه عدل است (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۱۰۷/۵). این امر در قرآن کریم و سپس در احادیث قابل مشاهده است. قرآن کریم در داستان آفرینش به طور عموم خلقت آسمان و زمین را حق، هدفمند و نظام‌مند توصیف کرده است (ابراهیم، ۱۹/۱، حجر/۸۵، نحل/۳، عنکبوت/۴۴، روم/۸، زمر/۵، دخان/۳۹، جاثیه/۲۲، احقاف/۳، تغابن/۳، رحمن/۷). در توضیح مفهوم «حق بودن» خلقت، ذکر این نکته ضروری است که قرآن کریم یکی از اساس قیامت را «حاقه» دانسته است (حاقه/۱-۳). از این رو به احتمال اطلاق حق برای نظام آفرینش به چگونگی رخداد مذکور اشاره دارد. برخی آیات قرآن کریم، نشان دهنده قرار گرفتن حقانیت در کنار علم الهی (انعام/۷۳) و گونه‌ای استحقاق ذاتی اشیاء (یونس/۵) در قرآن است. همچنین در بسیاری از آیات، آفرینش آسمان و زمین به منظور آزمایش انسان‌ها تعلیل شده تا بیازماید که چه کسی بر مدار عدل عمل می‌کند (هود/۷). به نظر می‌رسد در متن قرآن ارتباط دقیقی میان آفرینش آغازین و زندگی انسان‌ها در دنیا و روز بعث وجود دارد (انبیاء/۱-۵). از منظر اسطوره‌شناختی، قرآن داستان آفرینش را به عنوان محملی برای تربیت نفوس مطرح کرده است (حج/۵)؛ از این رو عمل به عدل در زندگی دنیوی و وجود مفهوم عدل در روز محشر، نشان دهنده ضرورت وجود این مفهوم در آغاز آفرینش است.

با وجود این، شواهد اندکی در متون حدیثی در باب چگونگی کاربرستی مفهوم عدل در نظام آفرینش وجود دارد. در متون حدیثی مفهوم عدل بیشتر به شکل ذهنی و به منظور اصلاح تفکرات جبرگرایانه به کار رفته است. این امر با زمینه تاریخی ایجاد مفهوم عدل در میان مسلمانان مرتبط است. نخستین استنباط کلامی در باب عدل الهی، با انتساب افعال قبیح انسان به خداوند و تلاش مسلمانان برای توجیه و یا رد آن شکل گرفت. چنان‌که امام علی علیه السلام عدل را به تهمت نزدن به خداوند تفسیر کرده است (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰). این امر در کلام اهل بیت علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام به نسبت ندادن جبر و تکلیف مالایطاق به انسان از سوی خداوند تعبیر شده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۹۶). این تعبیر در کلام ابن‌ابی‌الحدید (۱۴۰۴: ۲۲۸/۲۰) نیز قابل مشاهده است. با وجود این، پایه عقلی تفسیر مذکور به امر هستی‌شناسانه و فلسفی حسن و قبح ذاتی اشیاء معطوف بود که در کلام شیعه مورد توجه قرار گرفت. حسن و قبح ذاتی بدان معنا است که خوبی یا بدی امور در ذات آنان نهفته است و خداوند بر اساس آن به انجام برخی امور امر و از برخی نهی می‌کند (حلی، ۱۹۸۲: ۸۲). به نظر می‌رسد حسن و قبح اشیاء اشاره به گونه‌ای استطاعت درونی آنان دارد؛ از این رو

عدل در روایات شیعه (پس از توحید)، به عنوان پایه و اساس همه امور ذکر شده است (صدوق، ۱۳۹۸: ۹۶). مفهوم عدل الهی در میان مسلمانان اشاره به ماهیت ذهنی این مفهوم نزد آنان دارد و از منظر واقع‌گرایانه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. با وجود این، در میان معاصران دانش کلام، جنبه هستی‌شناسانه عدل الهی رونق بیشتری یافت و عدل الهی در دسته صفات فعلی و ثبوتی خداوند قرار گرفت (سبحانی، ۱۳۸۶: ۹۳)؛ از این رو از منظر اسطوره‌شناختی، عدل الهی در سیره اهل بیت علیهم السلام، به احاطه امر قدسی به امر مادی اشاره دارد.

۲. عدل تشریحی

دومین مؤلفه آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام، عدل تشریحی است. عدل تشریحی به معنای ابتدای قوانین شرعی و اجتماعی بر پایه عدل است (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۱۲/۴). عدالت تشریحی ماهوی است و جنبه صوری ندارد. از این رو بسیاری از احکام شرعی در اسلام بر حقوق طبیعی استوار است. از منظر قرآن کریم، فرستادن پیامبران و نزول شریعت به منظور برپایی قسط و عدل بوده است (حدید/۲۵). با توجه به جنبه ماهوی عدالت تشریحی در میان شیعه، سه کارکرد از منظر اسطوره‌شناختی برای آن مطرح می‌شود: نخست عدالت تشریحی به مثابه اراده خداوند برای اجرای عدالت اجتماعی است؛ دوم عدالت تشریحی به معنای ایجاد زمینه مناسب برای بازسازی زمان مقدس است. در رویکرد اسطوره‌شناختی میرچا الیاده، زمان مقدس به لحظه تجلی امر قدسی در آغاز آفرینش اشاره دارد که به شکل آیینی تکرار می‌شود تا انسان را با منشأ ازلی نظم، معنا و حیات معنوی پیوند دهد. عدالت تشریحی بر اساس این رویکرد بازگو کننده قوانینی است که انسان‌ها را با نظام کیهانی و امر قدسی منطبق می‌کند. بنابراین عمل به احکام شرعی اسلام تنها به مثابه اطاعت از قانون نیست؛ بلکه شرکت در نظم کیهانی مقدس و هماهنگ شدن با اراده الهی است. کارکرد سوم عدالت تشریحی، رساندن جامعه به هدف نهایی و مقدس یعنی حیات طیبه است. بر این اساس عدالت تشریحی به معنای بازآفرینی اراده تشریحی خداوند و تجلی امر قدسی در قالب احکام و از نشانه‌های نظم کیهانی مقدس است. همچنین عدل تشریحی ترسیم مسیر مقدس برای رسیدن به قرب الهی و حیات طیبه است؛ از این رو تشریح عادلانه، به معنای تقلید از الگوی مقدس الهی برای ساختن جامعه بر اساس نظم ازلی مقدس است.

۳. عدل جزایی

سومین مؤلفه آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام، عدل جزایی است. عدل جزایی اشاره به عدالت خداوند در کیفر و پاداش بندگان در روز رستاخیز است. با وجود این، کیفر و عقوبت (که به نام عذاب دنیوی معروف است)، در مبحث عدالت مطرح می‌شود. در قرآن کریم نیک و بد یکسان شمرده

نشده و کیفر و پاداش روز رستاخیز منوط به عملکرد فرد است (آل عمران/۵۴، یس/۱۲). با وجود این، فضل خداوند (که بالاتر از عدل جزایی است) شامل حال برخی بندگان خواهد شد (انعام/۱۶۰).

در رویکرد اسطوره‌شناختی میرچا الیاده، عدل جزایی به مفهوم اتحاد یا زایش دوباره زمان مقدس است. این امر در قرآن کریم با نشانه‌هایی مبنی بر حشر مردگان و برپایی قیامت مطرح شده است. در رویکرد کلامی اهل بیت علیهم‌السلام، عدالت جزایی جنبه اسطوره‌شناختی عمیقی دارد. بر این اساس، تجسم عینی اعمال و اتحاد آن با نفس، منشأ بازآفرینی زمان مقدس در قیامت است. بر این اساس، عدالت جزایی خداوند بر اساس باطن و صورت حقیقی عمل اجرا می‌شود (خمینی، ۱۴۱۰: ۱۹۴)؛ از این رو مفهوم عدالت جزایی در حقیقت ثمره مفهوم عدالت تشریحی محسوب می‌شود. همچنین مفهوم عدالت جزایی در رویکرد اهل بیت علیهم‌السلام استمرار دنیوی دارد. علاوه بر عدالت جزایی که از طریق حدود الهی تبیین می‌شود؛ مفاهیمی مانند مکافات عمل و اثر وضعی گناه، نشان‌دهنده آموزه عدالت در تشیع است؛ چنان‌که انجام گناهان علاوه بر عقوبت اخروی دارای پیامدهای دنیایی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۹/۲).

تجسد کهن الگویی عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام

۱. مفهوم وصی و وصایت

تاریخ قدسی مفهومی عام بر پایه آغازی از جنس سنن و عقاید ایمانی و دارای ویژگی دوگانه حق و باطل است (حیدرزاد، ۱۴۰۰: ۸۲). بر این اساس آموزه عدالت در گفتار و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در سه سطح وصی، شهید و قائم بازتاب یافته و ویژگی مشترک آنان تقابل با مفهوم ظلم و شر است. از این رو سه مفهوم فوق بازتاب دهنده تجسد عینی آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌شوند. تبلور مفهوم وصی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام در شخصیت علی بن ابی طالب علیه‌السلام جلوه کرده است.

نقطه آغازین تاریخ قدسی تشیع با ظهور شخصیت وصی و امام همراه است. اولین اختلاف میان مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم در ماجرای سقیفه بنی‌ساعده روی داد. اصل تشکیل سقیفه بنی‌ساعده امری سیاسی بود؛ اما موجب مطرح شدن برخی مباحث کلامی شد. اختلاف بر سر مسئله جانشینی پیامبر منجر به بروز عقاید متفاوتی در باب امامت و خلافت شد (عالمی، ۱۳۹۵: ۵۲). با وجود این، بر اساس متون کلامی و حدیثی، امام علی علیه‌السلام به‌عنوان وصی و وارث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح شد (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۸۰/۴؛ طبری آملی، ۱۴۱۳: ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲/۳۸). همچنین آن حضرت به‌عنوان ثقل اصغر و عدل قرآن کریم در حدیث تقلین معرفی شده است (کلینی،

۱۴۰۷: ۲۹۴/۱: ۱۴۰۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۱: صدوق، ۱۳۷۸: ۲۲۹/۱). با توجه به اینکه در قرآن نزول وحی (کتاب و میزان) و رسالت پیامبران به منظور برپایی قسط تبیین شده (حدید/۲۵)؛ شیعیان با استناد به حدیث کساء و قائل شدن به عصمت وصی و امامان پس از وی (قمی، ۱۴۰۴: ۱۹۳/۲: ۱۴۱۳؛ طبری آملی، ۱۴۱۳: ۲۱)، زمینه طرح آموزه عدالت بر اساس سیره اهل بیت علیهم السلام را فراهم کردند. همچنین طرح آموزه ولایت با استناد به احادیث منزلت و ولایت، زمینه ارتباط تنبیهی امام با زمان قدسی را فراهم کرد (ابن شیبیه، ۱۴۰۹: ۵۰۴/۸؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۱۳۲/۵). زمان مقدس، لحظه تجدید ارتباط با زمان اسطوره‌ای آغازین است که از طریق تنبیهی امامت بازآفرینی شد. این امر در مفهوم انسان کامل و تبلور شئون قدسی در وی، قابل مشاهده است.

زمان قدسی از طریق آموزه عدالت با نقل داستان‌ها و گزارش‌های عینی از زندگانی و خلافت امام علی علیه السلام نیز بازآفرینی شد. این امر به تجسم عدالت الهی در شخصیت امام علی علیه السلام منجر شد و او را به‌مثابه تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ معرفی کرد (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۷/۲؛ ابن‌عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۱۰۲). تأکید امام علی علیه السلام بر آموزه عدل در دوره خلافت خویش، تأثیر بسیاری بر تجسم اسطوره‌ای جایگاه او در مقام امام عادل داشت. در روایات امام علی علیه السلام، تعاریف ویژه‌ای از مفهوم عدل صورت گرفته است. یکی از مشخصات مفهوم عدل از منظر ایشان، محق بودن فرد نسبت به حقی است که به‌طور مشروع دارد (نهج البلاغه، خطبه ۳۷). معنای دیگر عدالت از منظر آن‌حضرت انصاف است. در اینجا انصاف به معنای رفتار صحیح و سازگار با اصول عدالت به‌کار رفته است (همان، حکمت ۲۳۱). همچنین از منظر امام عدالت در تعامل عاملیت و ساختار شکل خواهد گرفت و کارگزاران و افراد رعیت هر دو بر یکدیگر تأثیرگذار هستند (همان، خطبه ۱۲۶). یکی از مهمترین بارزترین انواع عدالت تبلور یافته در عصر خلافت امام علی علیه السلام، عدالت قضایی است. در گزارش‌های وارده از عدالت قضایی امام نشانه‌هایی از علم غیب، عصمت و داوری‌هایی با مشخصات فرامادی قابل مشاهده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۵۹/۲-۳۶۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۳/۱-۲۱۷). ویژگی‌های ذکر شده، یاری‌گر بازآفرینی زمان قدسی حول شخصیت وصی است.

۲. مفهوم شهید و شهادت

مفهوم شهادت به دلیل تقابل با مفهوم ظلم، جایگاه ویژه‌ای در تجسم آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام دارد؛ چنان‌که جایگاه و فضیلت مقام شهید بسیار تقدس یافته و یکی از محمل‌های ورود امر قدسی به امر تاریخی است. به استناد برخی روایات، مقام شهید به عصمت نزدیک و منزله از گناه است. همچنین شهادت به برترین مرگ و بالاترین نیکی تعبیر شده است (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۷/۱۵-۱۴). در دعا‌های وارده در سیره اهل بیت علیهم السلام، شهادت زیر پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت

به دست شقی‌ترین فرد مورد توجه قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۲/۹۴، ۳۷۶، ۲۶۱)؛ چنان‌که شهید به‌عنوان فردی زنده (آل عمران/۱۶۹)، دارای حق شفاعت (حمیری، بی‌تا: ۳۱/۱)، مشمول رحمت الهی (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۸۳/۳) و از نخستین افراد در ورود به بهشت معرفی شده‌است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۴/۷۱).

شهید در سیره اهل بیت علیهم‌السلام با محوریت مظلومیت حسین بن علی علیه‌السلام تجسم یافته است. تقارن شهادت حسین بن علی علیه‌السلام و آموزه عدالت در مظلومیت ایشان نهفته است. چنان‌که حسین بن علی علیه‌السلام شبیه‌ترین فرد به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قلمداد شده‌است (مفید، ۱۴۱۳: ۲۷/۲). این امر باریگر بازآفرینی الگوی زمان مقدس و اتصال شخصیت حسین بن علی علیه‌السلام به امر قدسی و اسطوره عدالت است. فضایل و شخصیت حسین بن علی علیه‌السلام مانند اهل غدر و حبله نبودن (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴۰/۳) و کمک به مسکینان و فقرا موجب ایجاد رویکرد عدالت‌ورزانه از ساحت زندگانی حسین بن علی علیه‌السلام شده‌است. همچنین وجود نام ایشان در ردیف اهل مباحله (صدوق، ۱۳۶۳: ۸۵/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۱)، بیانگر هاله‌ای از قدسیت است. با وجود این، ظلم‌ستیزی مهمترین ویژگی اسطوره‌شناسانه حسین بن علی علیه‌السلام بر پایه آموزه عدالت به‌شمار می‌رود. سیره ایشان مملو از تحرکات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بر پایه آموزه عدالت است. او در ماجرای قتل حجر بن عدی و یارانش، در نامه‌ای به معاویه بالاترین هدف خود را جهاد با امویان (به‌عنوان بزرگ‌ترین فتنه امت) معرفی کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۵-۱۲۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸: ۴۴۰/۱۰). حسین بن علی علیه‌السلام در ماجرای بیعت‌خواهی معاویه با یزید، مهمترین مخالف آن بود و یزید را شایسته چنین مقامی نمی‌دانست (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰: ۲۱۱/۱)؛ از این رو وی درخواست بیعت اجباری با یزید را رد کرد و به سوی کوفه رهسپار شد (طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۸/۵؛ ابومخنف، بی‌تا: ۵). واقعه کربلا و شهادت حسین بن علی علیه‌السلام و ۷۲ تن از یاران او، اوج تلفیق مفاهیم مظلومیت و شهادت از یک‌سو و عدالت و ظلم‌ستیزی از سوی دیگر است؛ چنان‌که حسین بن علی علیه‌السلام هدف از قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر اعلام کرده است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۱/۵).

۳. مفهوم قائم و مهدویت

سومین مفصل‌بندی تجسم آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام مفهوم قائم است. واژه قائم به معنای قیام‌کننده به حق است که در فرهنگ و روایات سیره اهل بیت علیهم‌السلام به امام عصر علیه‌السلام اختصاص دارد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۲؛ صدوق، ۱۳۵۹: ۳۷۸/۲). با وجود این، به نظر می‌رسد لقب قائم تنها مختص به امام عصر علیه‌السلام نبوده و شامل همه امامان معصوم بوده‌است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۶/۱). پس از شهادت هر یک از امامان، عده‌ای آنان را قائم می‌دانستند و بر مهدی بودن آنها تأکید می‌کردند؛ چنان‌که پس از محمد بن علی علیه‌السلام به‌عنوان امام پنجم شیعه، عده‌ای در ایشان

توقف کرده و او را مهدی دانستند (بغدادی، ۱۹۷۸: ۵۹). امام کاظم علیه السلام نیز در طول حیات خویش به قائم آل محمد شهرت داشت و پس از شهادت، انتظار می‌رفت ظهور کرده و حاکمیت عدل الهی را برپا نماید (نوبختی، بی تا: ۸۰). همچنین پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام این عقیده در مورد ایشان رواج داشت (صدوق: ۱۳۵۹: ۴۰/۱). به نظر می‌رسد مفهوم قائم در سیره اهل بیت علیهم السلام به استقرار آموزه عدل در سراسر دنیا اشاره دارد. نکته اساسی در تبیین مفهوم قائم، امکان تجسد یافتن آن در آینده است. بنابراین به نظر می‌رسد تجسد آموزه عدالت در مفهوم قائم، امری ذهنی به شمار می‌رود. از این رو روایات بسیاری در چگونگی تجسد مفهوم قائم در کتاب‌های حدیث ذکر شده است. این امر پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و به شکل مفهوم قائم در چارچوب روایت‌های آخرالزمانی استمرار یافت. چنان‌که بیش از شش هزار حدیث شامل شخصیت قائم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۵۱)، منتظران وی، انتظار فرج (همان، ۱۴۶/۵۲)، نشانه‌های ظهور قائم (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۱۸/۲)، حوادث منتهی به ظهور (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۰/۲) و جهان پس از ظهور روایت شده است. در برخی روایات، قائم آل محمد به کوکب درخشان (همان، ۸۰/۵۱) و طاووس اهل بهشت توصیف شده است (دیلمی، ۱۴۰۶: ۲۲۲/۴). همچنین در توصیف جامعه پس از قائم به حاکمیت یافتن مؤمنان بر زمین اشاره شده است. از این منظر مفهوم قائم و مهدویت دارای پیامد مثبت و موجد استقرار آموزه عدالت در سراسر جهان است.

بازنمایی مناسک آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام

۱. عید غدیر

آموزه عدالت در زمان غیبت با برپایی مناسک و آیین‌هایی که در سیره اهل بیت علیهم السلام توصیه شده بود؛ استمرار یافت. در مجموع سه مؤلفه آیینی در سیره اهل بیت علیهم السلام قابل شناسایی است که هر یک به بخشی از تجسم آموزه عدالت اشاره دارد. نخست این‌که آیین‌هایی مانند عید غدیر، به معنای استمرار مفهوم وصایت است که در عناصر مفاهیم قدسی در سیره اهل بیت علیهم السلام نمایان است. از این رو کارکرد مهم و آیینی عید غدیر یادآور مفهوم وصایت است. عید غدیر و جشن‌های مربوط به آن در دوره حیات امامان شیعه انجام می‌گرفت. در این راستا روایات متعددی در اهمیت روز غدیر ذکر شده است. چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت این روز را عید خوانده و آن را روز تکمیل دین و تمام شدن نعمت معرفی کرده است (صدوق، بی تا: ۱۸۸). امام صادق علیه السلام نیز روز غدیر را مایه سپاسگزاری دانسته که باید در آن روز، روزه شکر به جای آورد (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۴۴۳/۱۰). امام رضا علیه السلام نیز روز غدیر را در میان اهل آسمان مشهورتر از زمین ذکر کرده است. آن حضرت در روز غدیر، مجلس برپا می‌داشت (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۵۲/۲). در قرن چهارم و پنجم، در روز غدیر

جشن‌هایی توسط شیعیان و فرزندان علی علیه السلام برپا می‌شد (مسعودی، ۱۳۵۷: ۲۲۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۶۶). بر اساس آموزه عدالت، برپایی عید غدیر یادآور وصایت و اساس بازآموزی مفهوم تشیع است. بدین منظور مناسکی از جمله اطعام به فقرا (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۵۸/۲) و عقد اخوت در روز عید غدیر برپا می‌شد. همچنین برای ورود به عید غدیر آدابی مانند غسل، خواندن دعا، روزه و زیارت سفارش شده (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۴۴۳/۱۰) که بر اساس نظریه الگوی مقدس، به معنای قرار گرفتن در چارچوب آموزه عدالت است.

۲. عاشورا

عاشورا به‌عنوان دومین آیین در سیره اهل بیت علیهم السلام به بازنمایی مفهوم شهید پرداخته و یادآور شهادت حسین بن علی علیه السلام است. روز عاشورا دارای پیشینه و قدمت طولانی است. در برخی روایات، روز عاشورا تقارن جالب توجهی با حوادث مهم مذهبی مانند توبه آدم، فرود کشتی نوح علیه السلام بر جودی، خروج بنی اسرائیل از مصر، تولد عیسی علیه السلام، خروج یونس علیه السلام از شکم حوت و نجات یوسف علیه السلام از چاه دارد. روز عاشورا نزد یهودیان نیز از جمله اعیادی است که به مناسبت خروج از مصر برگزار می‌شود. آنان این روز را روزه می‌گرفتند (صدوق، ۱۴۱۵: ۲۰۸). اگرچه دهم محرم و روز عاشورا در روایات اسلامی بسیار مهم تلقی شده؛ لیکن در میان شیعیان به‌سبب شهادت حسین بن علی علیه السلام رنگ قدسی ویژه‌ای یافته است. چنان‌که شیعیان درصدد بازآفرینی مکان و زمان مقدس (کربلا و عاشورا) در چارچوب آموزه عدالت برآمدند.

اولین مؤلفه بازنمایی شهادت امام حسین علیه السلام توجه به زمان مقدس یعنی عاشورا است. به‌نظر می‌رسد اولین تحرکات برای بازآفرینی واقعه کربلا به شکل نگارش مقاتل نمایان شد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۳). سپس خوانش مقاتل از سوی راوی، زمینه ایجاد آداب و رسوم متعدد را فراهم ساخت. ادامه و استمرار سنت خوانش مقاتل به سنت‌های ادبی عمیق‌تر مانند روضه‌نویسی و روضه‌خوانی منجر شد. پیدایش واژه روضه و روضه‌خوانی نخستین بار با نگارش کتاب روضه الواعظین فتال نیشابوری (۱۳۸۱: ۳۳۵/۲) و خوانش آن مرتبط است. در دوران آل بویه و صفویه مراسم گوناگونی مانند تعزیه، شمایل‌کشی و سینه‌زنی بر پایه روضه‌خوانی ترویج شد (آئینه‌وند، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۵، ۱۴۷). هر یک از مراسم و آداب فوق به بازآفرینی گوشه‌ای از وقایع کربلا و عاشورا پرداختند. سینه‌زنی در میان اعراب مرسوم بود و در برخی گزارش‌ها برخی زنان در سوگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر سینه خود می‌کوبیدند (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۷۴/۶). این رسم به‌عنوان نوعی

ریاضت و سهیم شدن در عزای کربلا معروف شد. تعزیه یا شبیه‌خوانی نیز گونه‌ای نمایش درام قدسی بود که با هدف نمایش مصائب کربلا در دوره آل بویه نضج گرفت.

مؤلفه دوم بازنمایی شهادت امام حسین علیه السلام. توسعه کربلا به مثابه مکانی مقدس بود؛ از این رو حرم حسین بن علی علیه السلام و عباس بن علی علیه السلام در کربلا توسعه یافت. همچنین در دمشق حرم زینب بنت علی علیهما السلام نمادی از توسعه فرهنگ شیعه شد. در راستای آموزه عدالت، زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام هم‌تراز با هزار حج مقبول، هزار عمره مبرور، اجر هزار شهید از شهدای بدر و هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه مقبوله و ثواب هزار آزاد کردن بنده در راه خدا به‌شمار می‌رود (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۴۵۰). شریک شدن در چنین ثوابی به معنای هم‌راستایی با آموزه عدالت در کربلا یعنی ظلم‌ستیزی و تقویت معنای اسطوره‌ای و قدسی شهادت در ضمیر زائر و زیارت‌کننده است.

۳. عید نیمه شعبان

سومین آیین در سیره اهل بیت علیهم السلام، عید نیمه شعبان با تأکید بر بازنمایی مفهوم قائم در چارچوب اسطوره‌شناسانه آموزه عدالت است (مسعودی، ۳۸۴: ۲۵۸). برگزاری عید در روز نیمه شعبان نمادی از بزرگداشت امام عصر علیه السلام است. بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، شب نیمه شعبان پس از شب قدر از برترین شب‌ها است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۸۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۹۴). در سیره اهل بیت علیهم السلام تشبیه شب نیمه شعبان به شب قدر دارای کارکردهای خاصی است؛ چنان‌که اعمال عبادی و آداب خاصی از جمله شب زنده‌داری، عبادت، دعا و استغفار برای آن نقل شده‌است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۹۸؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۸: ۲۱۷-۲۱۶). فضائل نیمه شعبان نیز جالب توجه است. از جمله گشایش روزی، آمرزش گناهان و ثبت اعمال و تقدیر انسان، منتسب به این روز است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۹۸؛ سید بن طاووس، ۱۴۱۸: ۲۱۷-۲۱۶).

در فرهنگ شیعه، نیمه شعبان به شب برات نیز نام‌گذاری شده‌است. بیرونی (بی‌تا: ۲۵۲) دلیل این نام‌گذاری را رهایی از دوزخ به واسطه بخشش گناهان دانسته است. تقارن نیمه شعبان با تولد امام عصر علیه السلام ابعاد اسطوره‌شناسانه دارد و تلاشی برای زنده نگهداشتن مفهوم قائم در چارچوب آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم السلام است. از این رو برابرنگاری آن با شب قدر نیز چنین کاربستی دارد و احیای آن را مدنظر قرار می‌دهد. این امر به استناد روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله موجب زنده شدن قلب‌ها در زمانی است که دل‌ها مرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۴۷۸/۷).

نتیجه

این پژوهش با تکیه بر روایات و تاریخ، نشان دهنده کارکرد اسطوره‌شناختی آموزه عدالت در سیره اهل بیت علیهم‌السلام است. در این نوشتار رویکرد اسطوره‌شناختی آموزه عدالت در سه سطح عناصر مفاهیم قدسی، تجسد آموزه عدالت و بازنمایی آیینی این آموزه در شکل مناسک در سیره اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح عناصر مفاهیم قدسی، آموزه عدالت به عنوان نظم کیهانی مقدس و مبنای آفرینش (عدل تکوینی)، شالوده تشریح احکام (عدل تشریحی) و اساس پاداش و کیفر اخروی (عدل جزایی) مطرح شد. سه وجه عدل تکوینی، تشریحی و جزایی بازتابی از الگوی ازلی «عدل الهی» در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هستند که آفرینش را نظامی حق محور و هدفمند دانسته‌اند. عدل تشریحی، تجلی اراده قدسی در زمان تاریخی است که عمل به احکام را هم‌تراز مشارکت در نظم کیهانی قرار می‌دهد. عدل جزایی با تجسم عینی اعمال در قیامت، به مثابه «احیای زمان مقدس» و تحقق نهایی نظم ازلی معنا یافته است. در سطح آموزه عدالت، سیره اهل بیت علیهم‌السلام در قالب سه کهن الگوی رفتاری وصی، شهید و قائم ظاهر شده است. شخصیت «وصی» نمایانگر حکمران عادل، «شهید» نماد مبارزه با ظلم و «قائم» به مثابه احیاگر عدالت جهانی و بازگشت به زمان آغازین مقدس است. بنابراین سه کهن الگوی رفتاری «وصی»، «شهید» و «قائم» در سیره اهل بیت علیهم‌السلام ترسیم کننده تقابل دو جبهه حق و باطل است. در سطح مناسک و مراسم، آیین‌های سه‌گانه عید غدیر، روز عاشورا و عید نیمه شعبان به منظور بازآفرینی آموزه عدالت طراحی شده است. بدین ترتیب با احیای الگوی وصایت در عید غدیر، تکرار نمادین نبرد حق و باطل در عاشورا و ارائه الگوی مهدویت در نیمه شعبان، زمینه بازآفرینی الگوی مقدس فراهم شد. از این رو می‌توان گفت اهل بیت علیهم‌السلام آموزه عدالت را از طریق بسط مفهوم عدل الهی، تجسد کهن الگوهای رفتاری عدالت و مناسک آیینی ترویج کردند. در رویکرد اهل بیت علیهم‌السلام عدالت به یک نظم کیهانی پویا تبدیل شد که بی‌عدالتی را نقض غرض آفرینش می‌دانست. همچنین اهل بیت علیهم‌السلام با پیوند دادن مبارزات مستمر به الگوهای وصایت، شهادت و مهدویت، به گسترش عدل و مبارزه با ظلم پرداختند. این فرآیند، عدالت را با ابتنا بر سیره اهل بیت علیهم‌السلام از حیثه انتزاع کلامی به نیرویی پویا در سپهر اجتماعی - سیاسی تاریخ تشیع تبدیل کرد.

منابع

- آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳)، الذریعه الى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالاضواء.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱)، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶)، مسند امام احمد بن حنبل، تحقيق شعيب الارنوط، بيروت، موسسه الرساله.
- ابن سعد (۱۴۱۸)، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ابن شهر آشوب (۱۳۷۹)، مناقب آل ابى طالب، تحقيق محمد حسين آشتياني و هاشم رسولى، قم، علامه.
- ابن شيبه كوفى، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹)، المصنف فى الاحاديث و الآثار، تحقيق سعيد اللحام، بيروت، دارالفكر.
- ابن عقده كوفى، احمد بن محمد (۱۴۲۴)، فضائل امير المؤمنين (ع)، به كوشش عبدالرزاق محمد حسين حرز الدين، قم، دليل ما.
- ابن قتيبه دینوری (۱۴۱۰)، الإمامه و السياسه، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء.
- ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبه الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى.
- ابومخنف (بى تا)، مقتل الحسين (ع)، به كوشش حسين الغفارى، قم، مطبعه العلميه.
- آئينه‌وند، صادق و ديگران (۱۳۸۶)، سنت عزادارى و منقبت‌خوانى در تاريخ شيعه اماميه، قم، شيعه شناسى.
- بغدادى، عبدالقاهر بن طاهر (۱۹۷۸)، الفرق بين الفرق، بيروت، دارالافاق الجديده.
- بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۴۱۷)، أنساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دارالفكر.
- بلخى، ابوالمعالي محمد بن نعمت علوى (۱۳۷۶)، بيان الاديان، تصحيح محمد تقى دانش‌پژوه و قدرت الله پيشنمازاده، تهران، بنياد موقوفات محمود افشار.
- بيرونى، محمد بن احمد (بى تا)، التفهيم لاوئل صناعه التنجيم، به كوشش جلال الدين همائى، تهران، انجمن آثار ملي ايران.
- حر عاملى، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حلى، حسن بن يوسف (۱۹۸۲)، نهج الحق و كشف الصدق، بيروت، دارالكتاب اللبنانى.
- حميرى، عبدالله بن جعفر (بى تا)، قرب الاسناد، تهران، نينوا.
- حيدر نژاد، يوسف (۱۴۰۰)، «جاىگاه امر قدسى در جريان تاريخ‌نگارى مدينه و عراق»، تاريخ‌نگرى و تاريخ‌نگارى، ۳۱ (۲۸)، ص ۸۱-۱۰۰.

- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۰)، تعلیقات علی شرح الفصوص الحکم و مصباح الانس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دیلم صالحی، بهروز و همکاران (۱۴۰۱ش)، «نگاهی تطبیقی به اصول و مفروضات عدالت از دیدگاه امام علی (ع) و لیبرالیسم»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۳، شماره ۵۰، ص ۳۷۳-۳۹۲.
- دیلمی، شیرویه بن شهردار (۱۴۰۶)، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق السعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- زنگنه‌تبار، سجاد (۱۳۹۵ش)، عدل الهی و مسأله شر، تهران، پیام دیگر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶)، سیمای عقائد شیعه، ترجمه جواد محدثی، تهران، نشر مشعر.
- سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۸)، اقبال الأعمال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۹۳۵)، انقاذ البشر من الجبر و القدر، تصحیح علی خاقانی نجفی، نجف، راعی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا (ع)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- _____ (۱۳۹۸)، التوحید، به کوشش هاشم حسینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- _____ (بی‌تا)، الامالی، قم، مؤسسه البعثه.
- _____ (۱۳۶۳)، عیون اخبار الرضا، قم، چاپ مهدی لاجوردی.
- _____ (۱۴۱۵)، المقنع، قم، مؤسسه امام مهدی (عج).
- صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، تحقیق محسن کوجه‌باغی تبریزی، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷)، اعلام الوری با علام الهدی، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳)، دلائل الإمامه، قم، نشر بعثت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالتراث.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، [بی جا]، مؤسسه فقه الشیعه.
- عالمی، خدیجه (۱۳۹۵)، اوضاع سیاسی و اجتماعی شیعه امامیه از شهادت امام رضا(ع) تا آغاز غیبت صغری (۲۰۳-۲۶۰هـ.ق)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فتال نیشابوری، محمد (۱۳۸۱)، روضه الواعظین و بصیره المتعلمین، تحقیق غلامحسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، دلیل ما.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶)، تفسیر صافی، قم، مکتبه الصدر.
- قاسمی، سیدعلیرضا (۱۴۰۰ش)، «بررسی مفهوم عدالت از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه»، دومین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، ص ۵۰۴-۵۱۶.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۹۱)، عدل الهی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قربانی، قدرت الله (۱۴۰۱ش)، «تکثر ادیان و جستجوی عدالت الهی»، دو فصلنامه علمی تأملات فلسفی، سال ۱۲، شماره ۲۹، ص ۱۸۹-۲۲۲.
- _____ (۱۳۹۷ش)، «تجلی عدالت در سنت‌های الهی و اجتماعی قرآن کریم»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۲، شماره ۱، پیاپی ۷۴، بهار، ص ۷۵-۹۲.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیرالقمی، تحقیق موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- گردیزی، ابوسعید (۱۳۶۳)، زین الاخبار، تهران، دنیای کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۵۷)، التبییه و الاشراف، قاهره، دارالصاوی.
- _____ (۱۳۸۴)، اثبات الوصیه، قم، انصاریان.
- مسیبی، صالح (۱۳۹۲ش)، عدل الهی و مسأله شر، تهران، نشر نویسنده.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۹ش)، عدل الهی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱)، السنن الکبری، تحقیق عبدالغفار سلیمان بنداری و سید حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نوبختی، حسن بن موسی (بی تا)، فرق الشیعه، بیروت، دارالاضواء.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴)، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.

- Eliade, Mircea (1958), Patterns in Comparative Religion, New York, Sheed & Ward.
- _____ (1961), The Sacred and the Profane: The Nature of Religion, Trans Willard R. Trask, New York, Harper Torchbooks.
- _____ (1971), The Myth of the Eternal Return: Cosmos and History, Princeton: Princeton UP.
- _____ (1963), Myth and Reality, Willard R. Trask (trans.), New York, Harper and Row Publishers.

